



توراه اور • پاراشاها لך لך • مامار 1

(ענין לך לך וילך למסעיו ממטה למעלה מלמעלה...)

موضوع «برو»: «و در سفرهایش پیش
رفت»، از پایین به بالا و از بالا به پایین



تقديم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بییتسخاک

LikuteiTorah.com



پاراشای حسیدی

/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/lech-lecha/1

1 (ענין לך לך וילך למסעיו ממטה למעלה מלמעלה למטה כו' לה' הנראה כו' לה' סתם)

(موضوع «برو» [לך לך]; «و او به سفرهای خود رفت» — از پایین به بالا، از بالا به پایین، و جز این؛ «به ه' که بر او ظاهر شد»، و جز این؛ «به ه'»، بی قید.)

2 הנה אברם הוא השכל הנעלם מכל רעיון א"ב [אב] ר"ם וצ"ל בבחי' גילוי דהיינו להיות סדר השתלשלות

מבחי' חכים ולא בחכמה ידיעה בבחי' ירידה ממדרגה למדרגה עד סוף כו'

اکنون، ابرام (ابرام) همان عقلی نهفته از هر اندیشه است؛ پدر والا (av ram, ابرام)؛ و باید به مرتبه ظهور درآید؛ یعنی زنجیره نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) از مرتبه «حکیم است، اما نه با حکمتی دانستنی» برقرار شود؛ به گونه ای که از مرتبه ای به مرتبه دیگر فرود آید، تا پایان و الی آخر.

והתכלית הוא להיות גילוי בבחי' ע"ע [גן עדן] עליון ותחתון תענוג הנבראים שיוכלו לקבל גילוי התענוג כו'.

و مقصود آن است که در [عوالم] عالم آفرینش (بریاها, Beriah)، عالم صورت بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (عשיה, Asiyah) ظهوری باشد – در گان عدن (גן עדן, Gan Eden) بالایی و پایینی، یعنی لذت آفریدگان – تا بتوانند ظهور لذت را دریافت کنند و الی آخر.

3 וזהו ענין חסד אתגלי בפומא דאמה להיות גילוי ההשפעה בבחי' התקשרות והוא יושב פתח האהל כו'.

و این معنای «آشکارشدن مهر (חסد, Chesed) در دهانه عضو تناسلی مردانه (אמה, amah)» است: اینکه جریان فیض بخشی به صورت پیوند آشکار شود؛ و نیز «او بر آستانه خیمه نشسته بود» و جز این ها.

אך גילוי זה הוא ע"י צמצומים והעלם בחי' חשך דיצחק ויהי ערב ויהי בקר יום א'

اما این ظهور از رهگذر انقباضها (צמצומים, tzimtzumim) و پوشیدگی می آید – مرتبه تاریکی اسحاق (יצחק) –: «و شام بود و صبح بود، یک روز»،

כדי להיות בחי' יש ובו יהיה יום אחד המשכת אחד שיהיה היש בטל דהיינו שיהיה בחי' יש ובטל כו'.

تا مرتبه یک چیز [آفریده شده] (יש, yesh) پدید آید و در آن «یک روز» باشد – یعنی فرود آمدن «واحد» – تا آن چیز در برابر واحد هیچ به شمار آید؛ یعنی مرتبه وجود چیزی باشد و [با این حال] در برابر واحد هیچ به شمار آید و جز این ها.

4 והנה להיות גילוי זה צ"ל מצות מילה להסיר ערלה היא קליפת נוגה החופפת כו' שלא יהיה לה יניקה שא"א להמשיך בחי' גילוי בעודה שם כ"א כשיעור חיותה כו'.

اکنون، برای آن که این آشکارشدن تحقق یابد، باید فرمان ختنه (מצות מילה, mitzvas milah) انجام شود و پوست غلفه - که پوسته نیمه شفاف (کلیفت نוגה, kelipas nogah) است و [آن را] می پوشاند و غیره - برداشته شود، تا آن پوسته از آن تغذیه نکند؛ زیرا تا زمانی که آن پوسته وجود دارد، پایین آوردن مرتبه ای از آشکارشدن ممکن نیست، مگر به اندازه نیروی حیات آن و غیره.

ولכן כתיב אחר מצות מילה כי אב המון גוים שלכאורה אינו מובן מה ענין גוים לכאן

ازاین رو پس از فرمان ختنه نوشته شده است: «زیرا [من تو را] پدر انبوهی از ملت ها قرار داده ام»؛ اما در نگاه نخست روشن نیست که ملت ها را با این موضوع چه کار است؟

אלא שנעשה כח הבירור ע"י גילוי זה כי למה הצדיקים דומים בפני השכינה כנר בפני האבוקה שנכללים בבחי' בטול באבוקה.

بلکه نیروی پالایش به واسطه همین آشکارشدن پدید می آید؛ زیرا «صالحان در برابر حضور الهی (שכינה, Shechinah) به چه می مانند؟ به شمع در برابر مشعل»؛ از آن رو که در حالتی از خودنهی گری (ביטול, bittul)، در مشعل جذب می شوند.

5 ואמרו גלו לאדום כו' כי לא גלו אלא כדי שיתוסף עליהם גרים והן הניצוצות שבק"נ [שבקליפת נוגה] שבמאכלים ומשקים שמתעלים להתכלל בקדושה מפני גילוי שכינה שע"ז הם בטלים ונכללים כנר בפני אבוקה כו'.

و [حکیمان] گفتند: «به إدوم تبعید شدند»، و الی آخر؛ زیرا «تنها به این سبب تبعید شدند که گرویدگانی به آنان افزوده شوند» - و این گرویدگان، جرقه های موجود در پوسته درخشان (کلیفت نוגה, kelipas nogah) هستند که در خوردنی ها و نوشیدنی ها وجود دارند و به سبب آشکارشدن حضور الهی (שכינה, Shechinah) تعالی می یابند تا در قداست جذب شوند؛ زیرا از این راه، در برابر آن به حالت خودنهی گری (ביטول, bittul) درمی آیند و جذب می شوند، همچون شمع در برابر مشعل، و الی آخر.

6 וזהו ענין פ' זו ויאמר ה' אל אברם א"ב [אב] ר"ם שיהא יורד ומשתלשל בבחי' גילוי כדי להיות תיקון ובירור

و این است معنای این آیه: «و نام چهارحرفی (ה', Havayah) به ابرام (אברם, Avram) گفت» - او رام (א"ב ر"ם, av ram) - یعنی باید در مرتبه ای از آشکارگی فرود آید و مرحله به مرحله نزول کند، تا اصلاح و پالایش تحقق یابد.

כי עד אברם הי' [היה] שבה"כ [שבירת הכלים] דור המבול כו'. ומאברם מתחיל עולם התיקון לך לך יציאת שם מ"ה [שם מ"ה] המתקן ומברר כו'.

זיכרון אברהם, شکستن ظرفها - نسل طوفان و غیره - بود. و با ابرام، عالم اصلاح (תיקון) آغاز می‌شود: «برو» (לך לך, lech lecha) - ظهور نام م"ה (מ"ה, Mah), که اصلاح و پالایش می‌کند و غیره.

וצ"ל ירידה אחר ירידה מא"ב [מאב] ר"ם בחי' יסוד אבא עד אל הארץ בחי' מל'. אשר אראך.

و باید نزولی پس از نزول باشد: از او رام - مرتبة بنیاد (یسוד, Yesod) پدر (אבא, Abba) - تا «سرزمین», یعنی مرتبة فرمانروایی (מלכות, Malchus). «که به تو نشان خواهم داد.»

פי' אראה ואגלה אותך בעצמך כלומר שאתה תבא לידי התגלות במצות מילה. והיה שמך אברהם אב המון גוים כו'.

یعنی: خود تو را نشان خواهم داد و آشکار خواهم کرد؛ یعنی از راه فرمان دینی ختنه (מצות, mitzvas), به آشکارگی خواهی رسید. «و نامت ابراهیم (אברהם, Avraham) خواهد بود, [زیرا تو را] پدر انبوهی از ملت‌ها ساخته‌ام» و غیره.

7 והנה לפ"ז [לפי זה] היא ירידה להיות מא"ב [מאב] ר"ם אברהם. אך הענין מה שנתוסף לו ה' הוא ה' עילאה ובזהר אי' [איתא] גבי ועבד הלוי הוא.

اکنون، بر این اساس، تبدیل شدن از «**اَب رَم** (av ram؛ پدر والا)» به ابراهیم (אברהם, Avraham) نزول است. اما نکته این است که آنچه به نام او افزوده شد، حرفِ هِی (hei, ה) است؛ یعنی هِی علیا. و در زوهر دربارهٔ «و لاوی خدمت را انجام خواهد داد، او» چنین آمده است:

הוא דא עתיקא שהתגלות עתיק הוא בבינה דוקא ולא בחכמה כי חכמה נק' עדן ואין שם התגלות עתיק
«او» - این همان کهن‌ترین مرتبه (עתיקא, Atika) است؛ یعنی آشکارشدنِ עתיק (עתיק, Atik) مشخصاً در فهم (בינה) است، نه در حکمت (חכמה, Chochmah)؛ زیرا حکمت «عدن» نامیده می‌شود و در آنجا آشکارشدنِ עתיק رخ نمی‌دهد،

כי עתיק הוא מקור התענוגים והתענוג הוא למעלה מן החכמה ובחכמה עצמה שהיא בחי' נקודה עדיין לא בא לידי גילוי כ"א

زیرا عתיק سرچشمه لذت‌هاست، و لذت از حکمت بالاتر است؛ و در خود حکمت، که مرتبة نقطه است، هنوز به آشکارگی نرسیده است، مگر

ע"י בינה נקודה בהיכלא נקבה תסובב גבר שמקבלת הארת עתיקא. והענין כנודע שלהיות התפשטו' [התפשטות] וירידת המדרגו' [המדרגות] הוא דוקא ע"י בחי' ומדרגה יותר עליונה כו':

به واسطه فهم - «نقطه‌ای در قصری»؛ «زن مرد را دربرخواهد گرفت» - زیرا نور عתיקא را دریافت می‌کند. و توضیح آن، چنان‌که معلوم است، این است که گسترش و نزول مراتب مشخصاً از طریق مرتبه و درجه‌ای بالاتر از آن صورت می‌گیرد، و غیره.

8 ולהבין זה היטב הנה כתיב בשלמה וידבר שלשת אלפים משל. הענין הוא כמו שאנו רואין שהחכם אף

שיודע דבר חכמה בעצמו אעפ"כ [אף על פי כן] אינו יכול להסביר החכמה ההיא לזולתו עד שקודם

برای فهمیدن این مطلب به‌خوبی، دربارهٔ سلیمان (שלמה) نوشته شده است: «و سه هزار مَثَل گفت.» توضیح مطلب این است: چنان‌که می‌بینیم، حکیمی هرچند خود مطلبی از حکمت را می‌داند، بااین‌حال نمی‌تواند آن حکمت را برای دیگری توضیح دهد، مگر آن‌که پیش از آن‌که

שהוא מסביר צריך לקשר דעתו בחוזק ולהתיישב איך ומה שיכול להסביר ולהשתלשל למטה בדברים

תחתונים ולהלבישם במשל דהיינו שיהי' [שהיה] יכול למצוא דבר החכמה ההיא גם בדברים תחתונים.

آن را توضیح دهد، باید ذهن خود را استوار متمرکز کند و [اندیشه‌اش را بر این] قرار دهد که چه چیزی را و چگونه می‌تواند توضیح دهد، و [چگونه] [آن را] پله‌پله به امور فروتر فرود آورد و آن‌ها را در جامهٔ تمثیلی بپوشاند؛ یعنی بتواند همان مطلب حکمت را در امور فروتر نیز بیابد.

כי לזה צריך חכם גדול שיוכל להלביש חכמתו גם בדברים תחתונים שלמטה ממנו. רק שלמה המלך

ע"ה [עליו השלום] ברוב בינתו היה יכול למצוא שלשת אלפים משל

برای این کار، حکیمی بزرگ لازم است که بتواند حکمت خود را حتی در امور فروتری که پایین‌تر از او هستند در جامه بپوشاند. تنها سلیمان پادشاه، علیه‌السلام، به‌واسطهٔ گسترهٔ فهمش می‌توانست سه هزار تمثیل بیابد،

דהיינו ג' אלפים מדרגות שלמטה ממנו גם שם היה יכול למצוא ולהראות אותו דבר חכמה בעצמה

שהיה יודע.

یعنی سه هزار مرتبه که از او فروتر بودند؛ حتی در آنجا نیز می‌توانست همان مطلب حکمت را که می‌دانست بیابد و نشان دهد.

לכן כשנצרך להשתלשל המדרגה שתהיה ההתבוננות בהרחבה צריך שיהיה מן מקור עליון הגבוה ביותר מבחי' חכמה ואז יכול להיות התגלות בינה

אזاینרו، هنگامی که لازم است مرتبه‌ای به‌تدریج فروآید تا تأمل در گستره‌ای وسیع صورت گیرد، سرچشمهٔ آن باید برتر و از مرتبهٔ حکمت (Chochmah, חכמה) بسیار بلندتر باشد؛ آنگاه تجلی فهم (Binah, בינה) ممکن می‌شود.

אבל מן חכמה עצמה אין יכול לירד להשתלשל ממנה בחי' בינה רק שרש בינה והתגלותה היא התגלות עתיק בה וע"י נשתלשלה ונתגלה בהרחבה.

اما از خودِ حכמה، مرتبهٔ بیנה نمی‌تواند فروآید و به‌تدریج از آن پایین بیاید؛ بلکه ریشهٔ بیנה و ظهورش، ظهورِ مرتبهٔ کهن (עתיק, Atik) درونِ آن است؛ و به‌واسطهٔ آن، بیנה به‌تدریج فروآمد و با گستردگی آشکار شد.

9 ואף כאן להיות הארת הבינה אורך ורוחב מבחי' יו"ד חכמה בחי' נקודה כו' הוא ע"י גילוי בחי' עליונה יותר היא בחי' עתיק בחי' קוצו של יו"ד שע"י מתפשט היו"ד בה"א [באות ה"א].

همچنین در اینجا، برای آنکه روشنائی فهم (Binah, בינה) [با] طول و عرض، از مرتبهٔ حرفِ یוד (יו"ד, yud)—حکمت (Chochmah), مرتبهٔ نقطه و جز آن—باشد، باید مرتبه‌ای حتی برتر آشکار شود؛ یعنی مرتبهٔ عتیق (עתיק, Atik؛ مرتبهٔ کهن)، مرتبهٔ نوکِ حرفِ یود، که از طریقِ آن یود به هی (ה"א, hei) گسترش می‌یابد.

וכמבואר בפרדס שהיו"ד יש לו ג' קוצין ומקוץ התחתון נמשך הה' ובקוץ התחתון יש בחי' הקוץ העליון

و چنان‌که در پردس (פרדס) توضیح داده شده است، یود سه نوک دارد؛ هی از نوکِ پایینی امتداد می‌یابد و در نوکِ پایینی، چیزی از مرتبهٔ نوکِ بالایی وجود دارد.

ونמצא שיש הארת קוץ העליון בבינה ולכן ירידה זו היא בחי' עילוי מאוד שנמשך אור הכתר ולכן וילך למסעיו מנגב.

پس روشنائیِ نوکِ بالایی در Binah وجود دارد. بنابراین این نزول، ارتقایی بسیار بزرگ است، زیرا روشنائیِ تاج (כתר, Keser) به پایین امتداد می‌یابد. ازاین‌رو: «و او سفرهایش را از نِگو (נגב, Negev؛ جنوب) ادامه داد»—

חסד. ועד בית אל. מל'. מלמעלה למטה. ומלמטה למעלה. מלה' הנראה כו' עד לה' סתם:

مهر (חסد, Chesed)—«و تا بیت‌إل (بیت אל, Beis El)—فرمانروایی (ملכות, Malchus): از بالا به پایین و از پایین به بالا؛ از «به ه' که ظاهر شد» و جز آن، تا «به ه'»، بی‌قید.

10 והנה להבין זה בעבודה הנה אמרו נובלות חכמה של מעלה תורה שהתורה שהיא בדברים גשמיים היא מבחי' חכים ולא בחכמה ידיעה כי

אکنون, برای فهم این مطلب [در چارچوب] خدمت الهی، [حکیمان] گفته‌اند: «میوه فرو افتاده حکمت بالا، تורה (Torah) است»؛ یعنی توراتی که در امور جسمانی [پوشیده] است، از مرتبه «حکیم است، اما نه با حکمتی شناخت‌پذیر» است. زیرا

הנה חכמה עליונה אין לה השגה רק דוקא בהתלבשותה בדברים גשמיים שאזי בלקיחת האתרוג עד"מ מאחר שהחכמה מלובשת בו ה"ז [הרי זה] כאלו אוחז בחכמה העליונה.

חכمت برتر جز هنگامی که در امور جسمانی پوشیده می‌شود، به‌هیچ‌وجه درک‌پذیر نیست؛ ازاین‌رو، برای مثال، هنگام گرفتن اترگ (אתרוג, esrog؛ میوه‌ای که در عید سوکوت به کار می‌رود)، چون حکمت در آن پوشیده است، گویی شخص خود حکمت برتر را در دست گرفته است.

11 והנה המשכת חכמה עליונה בדברים גשמיים הוא ע"י אור הכתר כי אורייתא מחכמה נפקת בבחי' גילוי

اکنون، فرودآوردن حکمت برتر (חכמה, Chochmah) به امور جسمانی، از طریق نور تاج (כתר, Keser) است؛ زیرا «تورات از حכמה سرچشمه می‌گیرد» در مرتبه ظهور،

אבל מקורה הוא למעלה שתרי"ג מצות דאורייתא וז' דרבנן הם תר"ך עמודי אור והוא מארחין לבנונית דגלגלתא בחי' כתר שהוא מלי' דא"ס ועי"ז נמשך למטה כ"כ [כל כך].

اما سرچشمه آن بالاتر است: زیرا ۶۱۳ فرمان تورات (מצוות, mitzvos) و هفت فرمان ربّانی، ۶۲۰ ستون نورند؛ و آن از «راه‌های سپیدی جمجمه (دگلالتا, Gulgalta)» است، یعنی مرتبه کתר، که فرمانروایی (ملכות, Malchus) بی‌نهایت مطلق (این سوف, Ein Sof) است؛ و از این طریق تا این اندازه به پایین کشیده می‌شود.

12 ולכן גילוי חכמה עליונה המלובשת בפ' קדש עד"מ הוא יותר מגילוי החכמה עצמה במקומה העליון לפי שנמשך ע"י הכתר שלמעלה מהחכמה.

ازاین‌رو، آشکارگی حکمت برتر (חכמה, Chochmah) که، برای نمونه، در بند «Kadesh, קדש» پوشیده است، از آشکارگی خود حکمت در جایگاه برتر آن بیشتر است؛ زیرا از راه تاج (כתר, Keser)، که بالاتر از حکمت است، به پایین کشیده می‌شود.

ולכן נעשה יחוד עליון ע"י דברים גשמיים כמו ע"י צדקה נעשה יחוד עליון באצ"י למעלה מג"ע [מגן עדן] תענוג הנשמות

ازاین رو، وحدتی برتر از طریق امور مادی پدید می آید؛ برای نمونه، به واسطه صدقه (צדקה, tzedakah)، وحدتی برتر در عالم صدور (אצילות, Atzilus) پدید می آید – فراتر از باغ عدن (גן עדן, Gan Eden)، جایگاه لذت جانها،

שהוא בבריאה ומל' דאצילות נעשה עתיק דבריאה כו' שמצדק נעשה צדקה ד נעשה ה כמ"ש בזהר עד לא קבילת דכר כו'.

که در عالم آفرینش (בריאה, Beriah) است – و فرمانروایی عالم صدور به عتیق (עתיק, Atik [منشأ درونی]) عالم آفرینش بدل می شود، و الی آخر؛ به گونه ای که از عدالت (צדק, tzedek) صدقه (צדקה, tzedakah) پدید می آید – حرف ד (dalet) به حرف ה (hei) بدل می شود – چنان که در زوهر (זהר) آمده است: «تا زمانی که نرینه ای دریافت نکرده است»، و الی آخر.

13 ולכן לא נאמר בתורה מעלת אברהם שהיה מאכיל אורחים כו' עד שבא לא"י [לארץ ישראל] ולא בחו"ל [בחוץ לארץ] הגם שכבר היה בן ע"ה כו'

ازاین رو، تورات فضیلت ابراهیم (אברהם) را – این که از مهمانان پذیرایی می کرد و غیره – بیان نمی کند تا آن گاه که به سرزمین اسرائیل آمد، نه هنگامی که بیرون از آن سرزمین بود؛ با آن که از پیش هفتاد و پنج سال داشت و غیره.

אלא שמתחלה אף אם היה עושה לא היה ממשיך כלום ולא היה נוגע ליחוד עליון עד שויאמר ה' אל אברם במאמר זה ויאמר ה' מאציל עליון המשיך אל א"ב [אב] ר"ם לך כו'

بلکه در آغاز، حتی اگر چنین می کرد، چیزی را فرود نمی آورد و بر یگانگی برین اثری نمی گذاشت، تا آن گاه که «و ה' به ابرام (אברם) گفت»؛ با همین گفتار «و ה' گفت»، فیض بخش برین، «برو» را به א"ב ר"ם (av ram؛ پدر بلندمرتبه) فرود آورد، و غیره،

להיות ירידה והשתלשלות כו' ואזי נמשך להיות יחוד עליון תלוי במעשה התחתונים ועיקר גילוי היחוד הוא ע"י התורה.

تا نزول و زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) تحقق یابد و غیره؛ و آن گاه این امر فرود آورده شد تا یگانگی برین به اعمال فرودستان وابسته باشد؛ و آشکار شدن اصلی این یگانگی از راه تورات است.

אך האבות עשו הכנה לבחי' התורה כמ"ש ותורה שם בישראל ע"י ישראל. כי ע"י אברהם נמשך קו ימין חסד כו'.

اما نیاکان، زمینه‌سازی‌ای برای مرتبة (בחینه, bechinah) تورات کردند، چنان‌که نوشته شده است: «و تورات را در اسرائیل نهاد» - به واسطه اسرائیل. زیرا به واسطه ابراهیم، خط راست مهر (חסד, Chesed) و غیره فرود آورده شد.

وזהו ענין ס' בראשית שאין בו מצות התורה רק פ' אברהם ופ' יצחק כו' שהם קודם התורה והם הם שהמשיכו להיות בחי' התורה כו':

و این معنای کتاب «براشیت» (براشیت) است که در آن هیچ‌یک از میتزووس (מצות, mitzvos؛ فرمان‌ها)ی تورات نیست، بلکه فقط بخش ابراهیم و بخش اسحاق (יצחק) و غیره آمده است؛ بخش‌هایی که پیش از تورات‌اند، و همین آنان بودند که فرود آوردند تا مرتبة تورات پدید آید و غیره.

14 אך לפ"ז [לפי זה] צריך להבין מדוע לא זכו ישראל לקבל התורה עד שהיו בגלות מצרים וימררו בחומר ובלבנים הלא כבר זכו ע"י אבות.

اما بر پایه این، باید فهمید چرا بنی اسرائیل تا زمانی که در تبعید مصر بودند و «[زندگی‌هایشان را] با ملات و آجر تلخ کردند» شایستگی دریافت تورا را نیافتند؛ آیا آنان پیش‌تر به واسطه پدران قوم شایستگی [آن] را نیافته بودند؟

וגם איך היה יכול לעשות כל היחודים קודם שנימול כי המילה ניתנה לו אח"כ כשהיה בן צ"ט שנה.
همچنین، چگونه او [ابراهیم (آبراهام, Avraham)] می‌توانست پیش از آن‌که ختنه شود همه یگانگی‌ها را پدید آورد، حال آن‌که ختنه پس از آن، هنگامی که نودونه‌ساله بود، به او داده شد؟

רק دایتא קיים אברהם כל התורה כולה ואיך הניח תפילין אשר נזכר שם יציאת מצרים ואז עדיין לא היה כלל גלות מצרים. אך באמת יש פנימי' [פנימיות / פנימית] וחיצוני' והקיום שלו היה בפנימי' [בפנימיות / בפנימיות].

با این حال، آمده است که ابراهیم سراسر تورا را به‌جا آورد—اما او چگونه جعبه‌ها و تسمه‌های نیایشی (تفیلین, tefillin) را بر تن کرد، که در آن‌ها از خروج از مصر یاد شده است، درحالی‌که آن زمان هنوز اصلاً تبعید مصر وجود نداشت؟ اما در حقیقت، بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus) و بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyyus) وجود دارد، و به‌جا آوردن او در **פנימיות** بود.

15 ויאמר הוי"ה היינו התגלות והמשכת אא"ס [אור אין סוף] כ"ע [כתר עליון] מלמעלה למטה בבחי' פנימי'

[פנימיות / פנימיות] אבל שיוכל להתגלות גם בחיצונית שיהיה בדבר גשמי בקלף ממש גילוי אלקות כנ"ל.

«و ه' گفت» یعنی تجلی و فروفرستادن نور بی‌پایان (اور אין סוף, Or Ein Sof), تاج برین (כתר, Keser), از بالا به پایین, در بُعد درونی. اما اینکه این نور در بُعد بیرونی نیز آشکار شود – تا در چیزی جسمانی، در خود پوست آماده برای نوشتن، تجلی الوهیت پدیدار گردد، چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد –

این‌که در راه השתלשלות [השתלשלות] רק ע"י וימררו חייהם כו' בכל עבודה קשה נעשה התגלות מבחי'

למעלה מהשתלשלות

این امر از راه زنجیره نزول عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) نیست؛ تنها از رهگذر «زندگی‌شان را تلخ کردند» و مانند آن، «با هر کار سخت»، تجلی‌ای از مرتبه‌ای فراتر از השתלשלות پدید می‌آید.

כי אז יוכל להתגלות גם למטה מהשתלשלות כי שם מעלה ומטה שוין גם חכמה לבחי' עשי' [עשיה]

יחשב כולם בחכמה עשית.

زیرا آن‌گاه می‌تواند در مرتبه‌ای فروتر از השתלשלות نیز آشکار شود؛ چراکه در آنجا بالا و پایین برابرند – حتی حکمت (חכמה, Chochmah) در حکم مرتبه عالم عمل (עשיה, Asiyah) شمرده می‌شود: «همه را با حکمت ساختی.»

16 וזהו כי עגולי אריך מקיפי' [מקיפים] רגלי עשיי' [עשייה] היינו שהמשכ' [שהמשכה] והתגלות הוא מן מקיף

עליון הכולל אבי"ע [אצילות בריאה יצירה עשיה] כו' ואז יכול להשתלשל רצונו ית' גם בדבר גשמי בקלף

וכדומה.

و این معنای «زیرا دایره‌های آریخ (Arich, אריך) پاهای عالم عمل (עשיה, Asiyah) را دربرمی‌گیرند» است: یعنی فرودآوردن و آشکارشدن از [نور] فراگیر برتر است که [عوالم] عالم صدور (אצילות, Atzilus), عالم آفرینش (בריאה, Beriah), عالم صورت‌بخشی (יצירה, Yetzirah) و عالم عمل (עשיה, Asiyah) و غیره را دربرمی‌گیرد؛ و آن‌گاه اراده او، که متبارک باد، می‌تواند مرحله به مرحله حتی به چیزی جسمانی، به رُق و مانند آن، فرود آید.

אבל אברהם לא המשיך רק בבחי' פנימית מלמעלה לכן לא הי' [היה] עדיין התגלות במעשי' המצות

בגשמיות ממש בבחי' [בבחינת / בבחינה] חיצונית רק הקיום שלו כל התורה היה בבחי' פנימית.

اما ابراهيم (אברהם, Avraham) تنها در بُعد درونی (פנימיות, pnimiyus), از بالا، فرود آورد؛ از این‌رو هنوز آشکارسازی‌ای در اجرای واقعی و جسمانی فرمان‌ها (מצות, mitzvos), در بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyyus), نبود؛ بلکه او تمام تورات را در پנימיות به‌جا می‌آورد.

17 וכשהיה בן צ"ט ניתנה לו במתנה [במתנה] מצות מילה במעשה ממש בכדי שיולד ממנו יצחק שיצא מאתו

אח"כ יעקב תמים ובניו יקבלו התורה בהתגלות חיצונית מצות מעשה ממש

ו هنگامی که ابراهیم (אברהם) نودونه ساله بود، فرمان ختنه در عمل واقعی (מצות מילה במעשה ממש, mitzvas milah b'maaseh mamash) به عنوان هدیه‌ای به او عطا شد، تا اسحاق (יצחק) از او زاده شود و پس از آن یعقوب کامل دل (יעקב) از او پدید آید، و پسرانش توراه (תורה, Torah) را در ظهوری بیرونی دریافت کنند—یعنی میتزووتِ عملی واقعی (מצות מעשה ממש, mitzvos maaseh mamash).

لכן לא קבל אברהם התורה לפי שיצא ממנו ישמעאל וכו' רק אחר שנימול ונולד יצחק אחר המילה אז יוכל להוליד יעקב תמים אשר קבלו בניו התורה [התורה] במצו' [במצות] מעשה.

ازاین‌رو ابراهیم توراه را دریافت نکرد، زیرا اسماعیل (ישמעאל) از او پدید آمد و غیره. تنها پس از آنکه ختنه شد و اسحاق پس از ختنه زاده شد، توانست یعقوب کامل دل را به وجود آورد؛ پسران یعقوب توراه را در قالب میتزووتِ عملی دریافت کردند.

הארה מן העגולי' כו' אף בבחי' חיצונית כי לנגדו למעלה מן השתלשלות מעלה ומטה הכל חד כו' [این] نوری از دواير و غیره است که حتی در بُعد بیرونی (חיצוניות, chitzoniyus) نیز می‌تابد؛ زیرا در برابر او، بالاتر از زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus)، بالا و پایین همه یکی‌اند و غیره.

(ועמ"ש ע"פ משה ידבר שם נת' [נתבאר] היטב ההפרש בין מה שקיים אברהם כל התורה כו' למ"ת [למתן תורה] עולה בקנה א' עם מ"ש כאן):

(و بنگرید به آنچه دربارهٔ [این آیه] «موسی (משה) سخن می‌گفت» نوشته شده است: در آنجا تفاوت میان اینکه ابراهیم همهٔ توراه را به‌جا می‌آورد و غیره، و عطای توراه، به‌خوبی توضیح داده شده و با آنچه در اینجا نوشته شده هم‌خوان است.)

18 וזהו הוא עשנו ולא אנחנו ולו קרי בוי"ו וכתוב לא באל"ף וביאור הענין כי איך יכול להיות שנהי'

אנחנו עמו על ידי השתלשלות רק כי הוא עשנו ולא באל"ף זהו בחי' כתר

و این [معنای] «او ما را آفرید، و نه ما [خودمان]» است: واژهٔ «لو» (lo, «از آن او») با حرفِ واو (וי"ו, vav) خوانده می‌شود، اما با حرفِ الف (אלי"ף, alef) نوشته می‌شود. و توضیحِ مطلب این است: چگونه ممکن است که ما از راهِ زنجیرهٔ نزولِ عوالم (השתלשלות, hishtalshelus) «قوم او» باشیم؟ تنها از آن رو که «او ما را آفرید»؛ و «لا» با الف، همان مرتبهٔ تاج (כתר, Keser) است،

כי א' רישא דאתון כתר ועי"ז יכול להיות ולו בוי"ו אנחנו עמו כי מאחר שזהו למעלה מן השתלשלות הארתו יכול להיות גם למטה מן השתלשלות.

זיכרון אלף، سر حروف است - تاج؛ و به واسطه این، «و ما از آن اوییم» («لو» با واو)، یعنی «قوم او»، می‌تواند تحقق یابد؛ زیرا چون این مرتبه فراتر از زنجیره نزول عوالم است، پرتو آن می‌تواند در پایین‌تر از زنجیره نزول عوالم نیز باشد.

19 ולכן כשנתנה התורה ונצטוו מצות במעשה ממש מצוה הראשונה היא מתחלת באל"ף אנכי כו'. כי שיקויים המצות במעשה ויעשה יחודים

از این رو، هنگامی که تورات عطا شد و به آنان فرمان داده شد که فرمان‌های دینی (מצות, mitzvos) را در عمل به‌جا آورند، نخستین فرمان با حرف الף (אל"ף, Alef) آغاز می‌شود: «من» (אנכי, Anochi)، و مانند آن. زیرا به‌جا آورده شدنِ **מצות** در عمل و پدید آوردنِ یگانگی‌ها از طریق آن‌ها،

ע"י קיום מצות במעשה אי אפשר רק שיתגלה הארה מבחי' כתר כו' לכן מצוה ראשונה מתחלת באל"ף בחי' כתר הארה מלבנונית הכתר כו'.

از راه به‌جا آوردنِ **מצות** در عمل، ممکن نیست مگر آنکه نوری از مرتبه تاج (כתר, Keser) آشکار شود، و غیره؛ از این رو، نخستین فرمان با **אל"ף** آغاز می‌شود - مرتبه **כתר**، پرتویی از سپیدی **כתר**، و غیره.

20 וזהו ואברם בן ע"ה שנה בצאתו מחרן היינו כי ממוחין למדות צריך לילך דרך הגרון ואחר שירד ממדרגת מוחין ועדיין לא נעשו מדות קודם שיבאו להלב נק' אז חרן וכשהיה אברם בן ע"ה

و این همان [معناي] «و ابرام (أبرام) هنگام بیرون آمدن از حاران، هفتاد و پنج سال داشت» است: یعنی برای گذر از قوای عقلانی (מוחין, mochin) به صفات عاطفی (مדות, middos)، باید از راه گلو گذشت؛ و پس از آنکه از مرتبه **מוחין** فرود آمده، اما هنوز به **مדות** بدل نشده است، پیش از آنکه به قلب برسند، در آن هنگام حاران نامیده می‌شود. و هنگامی که ابرام هفتاد و پنج سال داشت -

היינו ז"פ [ז' פעמים] עשר בחי' חיצוני' וה' חסדי' [חסדים] בחינת פנימי' [פנימיות / פנימית] יצא מחרן שבא הארה והתגלות מחכמה למדות.

یعنی هفت‌بار ده، در مرتبه بیرونی، و پنج **חסדים** (chasadim؛ مہرها)، در مرتبه درونی؛ او از حاران بیرون آمد، زیرا پرتویی و انکشافی از حکمت (Chochmah، **حکמה**) به **مדות** رسید.

21 והנה כמו שאיתא רישא דעשו בעטפוי דיצחק כמו"כ [כמו כן] קודם הבירור הי' לוט כלול באברהם

בקדושה

אکنون، همانگونه که گفته شده است: «سر عيسو (עשו) [در آغوش اسحاق (יצחק) قرار داشت]»، به همین ترتیب، پیش از تصفیه، لوط (לוט) در قداست در ابراهیم (אברהם) مندرج بود،

כמו סיגים אשר קודם הצירוף ובירור מעורבים הם עם זהב. ולוי"ט בגי' [בגימטריא] מ"ה [שם מ"ה] אחורי' [אחוריים] דשם מ"ה [שם מ"ה].

همچون سرباره‌ای که پیش از ذوب و پالایش با طلا درآمیخته است. و ارزش عددی لوط [برابر با] מ"ה (Mah, מ"ה) است – پشتِ نامِ מ"ה.

אך הוא מקור חו"ב [חכמה ובינה] דקליפה לכן נק' לוט לשון קללה ולכן הלך לוט את אברהם קודם הבירור
اما او سرچشمهٔ حکمت (חכמה, Chochmah) و فهم (בינה, Binah) پوسته (קליפה, kelipah) است؛ ازاین‌رو لوط نامیده می‌شود، واژه‌ای به معنای نفرین؛ و ازاین‌رو لوط پیش از تصفیه همراه ابراهیم رفت.

ולכן יצא מלוט עמון ومואב אשר יצאה מהם רות המואביה ונעמה העמוני' כי מואב חכ' [חכמה] דקליפה
ונעמה הוא לשון נועם בינה התגלות עתיק בבינה

و ازاین‌رو از لوط، عمون (עמון) و موآב (מואב) پدید آمدند و از آنان، روتِ موآبی (רות) و نعمة عمونی (נעמה)؛ زیرا موآب حکمتِ پوسته است، و نعمة از واژهٔ خوشایندی (נועם, noam) است – فهم، که در آن עתיק (Atik [کهنِ ازلی]) آشکار می‌شود.

וע"י בירור יצאה רות המואביה ונעמה העמוני' מן חו"ב [חכמה ובינה] דקליפה ואחר הבירור נפרדו סיגי
לוט מאברהם:

و از راهِ پالایش، روتِ موآبی و نعمة عمونی از حکمت و فهمِ پوسته بیرون آمدند؛ و پس از پالایش، سربارهٔ لوط از ابراهیم جدا شد.

22 ויאהל אברם עד מקום שכם כתפין חו"ג [חסד וגבורה] דנוק' [דנוקבא] ואלון מורה ת"ת [תפארת] דנוק' [דנוקבא]

כי כל המשכות והתגלות הי' [היה] אברהם ממשיך להמלכות מן שכל הנעלם לכן אמר לו ישמעאל יחיה לפניך

«و أورام (أبرام) خيمه‌اش را تا مکانِ شَکَم برپا کرد» - [شَکَم به معنای] شانه‌ها: مهر (חסד, Chesed) و قید و سخت‌گیری (גבורה, Gevurah) بُعِدِ مؤنث / فرمانروایی (نوکبا, Nukva); «و اَلون موره» - زیبایی و هماهنگی (תפארת, Tiferes) Nukva. زیرا ابراهام (أبراهم) همهٔ جریان‌های فرودآورنده و تجلی‌ها را از عقلِ نهفته به فرمانروایی (ملכות, Malchus) فرومی‌آورد. از این رو گفت: «کاش اسماعیل (ישמעאל) در پیشگاهت زنده بماند!»

כי אחרי שנקרא אברהם בה"א [באות ה"א] שע"י"ז המשיך התגלות בבחי' מל' ונתנה לו המילה הי' [היה] יכול להעלות נצוצות כנר בפני אבוקה שיהיו נכללי' [נכללים] בבחי' מל' כו' וכמ"ש ואת הנפש אשר עשו וכו'.

زیرا پس از آن‌که او را ابراهام نامیدند، با حرفِ هی (ה, hei)، و از این راه تجلی را به مرتبۀ Malchus فرود آورد، و ختنه به او عطا شد، توانست جرقه‌ها را بالا ببرد؛ مانند شمعی در برابر مشعل، تا در مرتبۀ Malchus جذب شوند و جز این؛ چنان‌که نوشته شده است: «و جان‌هایی را که آنان پدید آورده بودند» و جز این.

גם שרי היתה נקראת מקודם ביו"ד מורה על צמצום ואח"כ כשהיתה צריכה להוליד את יצחק היתה נק' בה"א [באות ה"א] בהרחבה להורות על המשכה והתגלות.

همچنین سارای (שרי) در آغاز با حرفِ یود (יו"ד, yud) در پایان نامش خوانده می‌شد؛ این حرف نشان‌دهندۀ انقباض (צמצום, tzimtzum) بود. سپس، هنگامی که قرار بود اسحاق (יצחק) را بزاید، نامش با حرفِ هی خوانده شد؛ حرفی گشوده‌تر که فرودآوردن و تجلی را نشان می‌دهد.

וזהו ויקרא שם אברם בשם ה'. ויקרא היינו המשכה מא"ב [מאב] ר"ם שכל הנעלם המשכ' מיסוד אבא לע"ס [לעשר ספירות] דנוק' [דנוקבא] הנק' שם ה' כו':

و این معنای «و أورام در آنجا نامِ چهارحرفی (ה', Havayah) را خواند» است. «و خواند» یعنی فرودآوردن از «آب رَم» (أ"ב ر"ם, av ram؛ پدرِ بلند)، یعنی عقلِ نهفته: فرودآوردنی از بنیاد (Yesod, יסוד) אָבָא (أبّا, Abba؛ پدر) به ده مراتبِ تجلی Nukva، که «نامِ چهارحرفی» خوانده می‌شوند و جز این.



دربارهٔ این نسخه

.the English translation و This edition contains the Hebrew text

The Hebrew text of Torah Ohr: © Kehot Publication Society, via Sefaria, CC BY-NC 4.0; formatting adapted.

.Our English translation, made from the Hebrew without Kehot's notes: CC BY-NC 4.0

This edition as a whole: CC BY-NC 4.0. Shuls, schools and non-profit projects may copy, print and share it freely, and may ask for donations to cover the cost of printing; it may never be sold. Credit Kehot Publication Society and likuteitorah.com. <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

ترجمه و شرح انگلیسی: با کمک هوش مصنوعی (openai/gpt-6-luna-pro:batch) برای likuteitorah.com تهیه شده و با متن عبری و سفاریا مقابله شده است؛ هنوز ویراستار انسانی آن را بازبینی نکرده است. لطفاً هر مطلب مهمی را با متن عبری مقابله کنید.

ربه خواست که ماماریم پارشای آن هفته، «پارشای حسیدی»، در همان هفته و در طول هفت روز آن آموخته شوند (Sichah of Shabbos Parshas Vayakhel 5725 · Toras Menachem vol. 42, pp. 306–309 /parsha). چرا آن را بیاموزیم و برکات ربه: likuteitorah.com/about/the-chassidishe-

پروژه‌ای رایگان و غیرتجاری؛ هیچ‌چیز در اینجا فروخته نمی‌شود. وابسته به Kehot, Sefaria یا کتابخانهٔ لوباوویچ نیست. © likuteitorah.com

[/likuteitorah.com/fa/torah-ohr/lech-lecha/1](https://likuteitorah.com/fa/torah-ohr/lech-lecha/1) از

تقدیم به افتخار

מוקדש לכבוד הגאון המקובל רבי לוי יצחק שניאורסאהן זצ"ל

پدر ربه، رب لیوی بیتسخاک